

اول فان دایک و حالا فابینیو

خط دفاعی بحران زده لیورپول

گزارش

نیل جونز



بورگن کلوپ حتماً به این فکر می‌کند که چرا تا این حد بدشانس شده است. برای مدتی طولانی، اولیخند طرفداران لیورپول را می‌دید، اما حالا با اخم و ناراحتی آنها روبه‌رواست. مشکل هم ارتباطی به نتایج این تیم ندارد. لیورپول این هفته در لیگ قهرمانان دوباره پیروز شد و توانست میثیلند را در اولین بازی خانگی اش در آنفیلد در این فصل اروپا شکست دهد، اما این پیروزی بهای سنگینی داشت.

مشکلات لیورپول در پست دفاع میانی آشکار است و حالا فابینیو هم مصدوم شده است. این بازیکن برزیلی به دلیل مصدومیت سایر مدافعان لیورپول به عقب‌تر رفته و در قلب خط دفاعی قرار گرفته بود، اما تنها ۲۸ دقیقه در میدان دوام آورد و مصدوم شد. او به زمین افتاد، سرش را تکان داد و پشت پای راستش را گرفت. آیا مشکل اواز ناحیه همسترینگ است؟ کلوپ گفت: «او گفت می‌توانسته به بازی ادامه دهد، اما قدرت استارت زدن را نداشته است، به همین دلیل هم تعویض شد. باید ببینیم چه می‌شود. همه چیز بعد از معاینات مشخص خواهد شد.»

ویرجیل فان دایک ماه‌ها غایب خواهد بود و یوئل ماتپ هم که ۱۰ روز پیش در بازی با اورتون به میادین برگشته بود، در همان مسابقه آسیبی نامشخص دید و در تمرینات شرکت نکرده است. به این ترتیب گزینه‌های دفاعی لیورپول بسیار اندک هستند. در حال حاضر تنها مدافع بزرگسال آماده لیورپول، جو گومز است. لیورپول حالا باید این ملی‌پوش انگلیسی را پیش از بازی شنبه با وستهم در پرقوئگه دارد. گومز در ادامه بازی لیورپول با میثیلند در کنار ریس ویلیامز قرار گرفت؛ بازیکن ۱۹ ساله‌ای که در آکادمی لیورپول پرورش یافته است. او فصل گذشته را به صورت قرضی در تیم کیدر مینستر در لیگ ملی شمال گذراند که دسته ششم فوتبال انگلیس است.

ویلیامز روز شنبه برای تیم زیر ۲۳ ساله‌های لیورپول با هدایت بری لوتاس مقابل چلسی بازی کرد و گل هم زد، اما سه روز بعد آزمون اصلی او فرا رسید. اوالته سابقه بازی در لیگ قهرمانان را داشت و در روز نخست در آخرین دقایق بازی با آژاکس به میدان رفته بود، اما این آزمون بسیار برگزینی برای این بازیکن نوجوان بود. البته ویلیامز خوب کار کرد. سبک بازی او تا حدی یادآور فان دایک است. این مدافع در کار با توپ خونسرد است، در هوا خوب می‌جنگد و با اعتماد به نفس پاس می‌دهد. او همچنین به گفته مسئولان آکادمی و هم‌تیمی‌هایش، در زمین ارتباط کلامی فوق‌العاده‌ای با هم‌تیمی‌هایش دارد.

به نظر می‌رسد لیورپول فعلاً به‌اونیاز خواهد داشت. آنها پس از بازی با وستهم در لیگ، سه شنبه هفته آینده در خانه آتالانتا بازی خواهند داشت. بعد از آن نوبت به دیداری می‌رسد که همه‌شان منتظرش بوده‌اند؛ یعنی بازی در ورزشگاه اتحاد با منچستر سیتی.

شاید فابینیو تا آن هنگام به میادین برگشته باشد. شاید مشکلات ماتپ هم برطرف شده باشد. شاید هم بازگشت هافبک‌هایی مانند تیآگو آلکانتارا و نوبی کیتا باعث شود کلوپ بتواند یک هافبک دیگر را در مرکز خط دفاعی بازی بدهد؛ مثلاً جوردن هندرسون.

در هر حال اینها مسائلی هستند که نباید در این برهه از فصل مطرح می‌شدند. کمتر از دو ماه از آغاز یکی از پرجالش‌ترین فصل‌های لیورپول گذشته و آنها مجبورند به این فکر کنند که چه بازیکنی را در خط دفاع قرار دهند.

آنها البته به نتایج خوبی رسیده‌اند و توانستند آژاکس را هم در روز نخست ببرند. کلین شیت لیورپول مقابل میثیلند باعث رضایت کلوپ شده است؛ همچنین خبر تساوی دو بر دو آتالانتا با آژاکس در ایتالیا. یک نتیجه مثبت در برگامو در هفته بعد باعث می‌شود لیورپول بخت خوبی برای صعود از گروهش داشته باشد. مصدومیت‌ها دردناک هستند، اما پیروزی‌ها بهترین مسکن‌اند.

منبع: سایت گل

بایرن بازسازی را شروع کرد وقتی کسی حواسش نبود

این رقص آخر نیست



کیمیش و بنزآمین باور ۲۵ ساله یا جوان‌تر هستند. باشگاه به فکر آغاز یک حکومت بود نه برپا داشتن یادبود افتخارات قبلی. مشکل در اجرای همزمان این دو کار بود؛ راه دادن بازیکنان جوان به تیم همزمان با تداوم پیروزی و موفقیت. بعد فلیک آمد که ابتدا به‌عنوان مربی موقت جانشین کووچ اخراجی شد و حالا قهرمان آلمان و اروپاست؛ چیزی که شاید خودش هم انتظارش را نداشت. اما توانایی‌های او دقیقاً با وظایفش همخوانی داشت. قدرت او در شخصیتش بود. کسانی که با او کار کرده‌اند می‌گویند می‌تواند در هر موقعیتی حرف درست را بزند. خودش البته می‌گوید شنونده خیلی خوبی است: «همیشه احساس می‌کنم چیزهایی هست که باید یاد بگیرم و برای همین می‌شنوم.» این در مورد ستاره‌هایش صدق نمی‌کند. می‌گوید تلاش کرده جوی به وجود بیاورد که بازیکنان قدرت حرف زدن در تمرین را داشته باشند ضمن اینکه بازیکنان محصول آکادمی خودباوری لازم برای آمدن به دفتر او را در خود احساس کنند: «باید با بازیکنان جوان رابطه برقرار کنیم. کار من به‌عنوان مربی پیشرفت دادن بازیکنان است. اگر آنها سؤال داشته باشند بهتر است جواب‌شان را بدهم.»

شاید اینها ذاتی باشد اما به روزهای کار او در تیم ملی مربوط می‌شود که به‌عنوان بخشی از کارش باید با باشگاه‌ها و مربی‌های‌شان در سراسر اروپا حرف می‌زد، کارشان را می‌دید و به نتیجه می‌رسید که بهترین راه برای گرفتن بهترین بازی از بازیکنان چیست. او به یاد می‌آورد آرسن ونگر تمرین را متوقف می‌کرد تا مطمئن شود بازیکنان ایده‌هایش را به‌خوبی دریافت‌اند. رابطه‌ای که روزه مورینیو با بازیکنانش ایجاد کرده بود، برایش شگفت‌انگیز بود.

فلیک می‌گوید: «موفقیت و پیروزی یک امر جمعی است.» بازیکنانش به آن احترام می‌گذارند. بواتنگ که می‌خواست در آینده‌ای نزدیک از بایرن برود، متقاعد شده قراردادش را تمدید کند چون دوباره از کارش لذت می‌برد. دیویس از زمانی که فلیک برای بازیکنان جوان می‌گذارد، قدردانی می‌کند. الیورکان که قرار است از ژانویه به‌عنوان مدیر اجرایی کارش را شروع کند، از پیشرفت تیم بعد از قهرمانی اروپا شگفت‌زده شده. بایرن در باد موفقیت‌هایش نخواهی‌د، امروز شاد است اما به فردا فکر می‌کند. لیسبون برای این تیم آخر خط نبود اول خط بود. فلیک طرفدار کلمات قصار است؛ بارها از یک عبارت آلمانی برای بیان باورهایش استفاده کرده. بعضی‌ها بولد شده‌اند، بعضی‌ها را بارها استفاده کرده، بعضی‌ها را برای نشان دادن سبک رسیدن بایرن به قله اروپا به کار می‌برد و از این جملات و عبارات لذت می‌برد. او می‌گوید: «در آلمانی یک ضرب‌المثل داریم که می‌گوید موفقیت ملک شخصی نیست، اجاره‌ای است و در جای اجاره‌ای هر روز باید به فکر باشی.»

منبع: نیویورک تایمز

حرف می‌زد و اینکه باشگاه به پنج یا شش بازیکن نیاز دارد برای اینکه با بهترین‌های قاره رقابت کند. خیلی‌ها احساس می‌کردند هسته مرکزی تیم - گروهی که شامل خاوی مارتینس و روبرت لواندوفسکی نیز می‌شود، وارد دهه چهارم زندگی شده‌اند- پیر شده و سبک بازی‌شان آنقدر کسالت‌بار است که برای رقابت با پویایی لیورپول یورگن کلوپ یا شور و شوق منچستر سیتی پپ گواردیولا را ندارد. حالا که به عقب برمی‌گردیم می‌بینیم همه آن نگرانی‌ها بی‌مورد بوده و شایعه درباره سقوط و افول بایرن کاملاً اغراق شده بود. در واقع بایرن نیازی به بازسازی ندارد چون این پروسه قبل از این شروع شده است.

در سال ۲۰۱۷ بایرن آکادمی جدیدش را افتتاح کرد، پر از بازیکنان مستعدی که می‌توانند بایرن و آلمان را به قهرمانی سال ۲۰۳۰ برسانند. باشگاه به‌خوبی متوجه نیاز به تولید استعدادهای بومی شده؛ اتفاقی که بعد از مولر کمی رنگ باخت اما دوباره جان گرفت. ظرف چند سال بعد نگاه به نقل‌وانتقالات هم تغییر کرد و همانطور که حسن سالی حمیدریج، مدیر ورزشی باشگاه اشاره کرد

بایرن در سال ۲۰۱۷ آکادمی جدیدش را افتتاح کرده؛ پراز بازیکنان مستعدی که می‌توانند بایرن و آلمان را به قهرمانی سال ۲۰۳۰ برسانند

با نگرشی مبتنی بر دو اصل دنبال شد؛ جذب ستاره‌های آماده مثل لروی سانه که تابستان از منچستر سیتی خریداری شد و استعدادیابی در سراسر جهان برای پیدا کردن پدیده‌ها. باشگاه شوکه شد، البته فقط کمی، از تصمیم جیدون سانجو برای رفتن به بوروسیا دورتموند که به این نتیجه رسید راه یافتن به تیم اول در این باشگاه کوتاه‌تر، سریع‌تر و روشن‌تر است. بایرن می‌خواست ثابت کند جای مناسبی برای استعدادهاست. در این دو سال توانسته‌اند آلفونسو دیویس را از ونکوور، کریس ریچاردز از دالاس، جمال مصیلا از چلسی، الکساندر نوبل از شالکه و تانگوی نیانزورا از یاری سن‌ژرمن جذب کنند.

نتیجه روشن است؛ هسته مرکزی بایرن شاید نام‌های آشنایی داشته باشد اما تیم این باشگاه پر از جوان است؛ ریچاردز ۲۰ ساله، دیویس ۱۹ ساله و مصیلا ۱۷ ساله. بازیکنان ثابتی مثل لئون گورتزکا، سرژ گنابری، یاشوا

گزارش

روری اسمیت

هانسی فلیک این تابستان مثل میلیون‌ها نفر دیگر جذب «آخرین رقص» شد؛ سریال مستندی درباره نسل طلایی شیکاگو بولز متشکل از مایکل جردن، اسکاتی پپین و بقیه که هفت سال بعد از نخستین قهرمانی‌شان دوباره انگیزه و اشتیاق لازم را برای اینکه یک‌بار دیگر بر NBA مسلط شوند، پیدا کردند. درسی که فلیک از این سریال گرفت این بود که ورزشکاران استثنایی یک نقطه مشترک دارند؛ چیزی که نتنها از معمولی‌ها بلکه از ستاره‌ها نیز متمایزشان می‌کند. فلیک مربی بایرن مونیخ می‌گوید نشانه قهرمان‌های واقعی و قهرمان‌های حقیقی این است که هیچ‌وقت تسلیم نمی‌شوند و هیچ‌وقت سیر نمی‌شوند: «آنها ادامه می‌دهند، از این سال به سال بعد.»

این تابستان کمی فرق داشت. فلیک تجربه مشابهی را پشت سر گذاشت. هفت سال بعد از نخستین سه‌گانه، بایرن دومی را به دست آورد. از بیرون، پیروزی‌ها را پایان یک چرخه تلقی می‌کردند همانطور که در سال ۲۰۱۳ چنین تصویری وجود داشت، مانوئل نویر، جروم بواتنگ و توماس مولر همگی نقش‌های کلیدی داشتند اما حالا نویر ۳۴ ساله است، بواتنگ ۳۲ ساله و مولر ۳۱ ساله. آنها بازمانده‌های تیم یوپ هاینکس هستند. هشت قهرمانی متوالی در لیگ به دست آورده‌اند. آنها دوبار با هاینکس، پپ گواردیولا، کارلو آنچلوتی و نیکو کووچ کار کرده‌اند. آنها به بازتعریف موفقیت در بایرن کمک کرده‌اند؛ باشگاهی که بردن دوگانه داخلی یک وظیفه برایش حساب می‌شود اما زمان در حال گذراست.

اما فلیک اینطور فکر نمی‌کند. او بیش از یک دهه است که نویر، بواتنگ و مولر را می‌شناسد؛ از وقتی کمک‌مربی تیم ملی آلمان بود و شک ندارد هنوز خیلی کارها از اینها برمی‌آید: «این آخرین رقص آنها نیست.»

موفقیت در ورزش می‌تواند مثل یک مخدر عمل کند. امروز باشکوه فردا را خیلی دور جلوه می‌دهد، آنقدر دور که نباید نگران‌ش بود. انگار حال تا باید ماندنی است. بولز نمونه مطالعاتی خوبی است. جردن و پپین ستاره‌هایی بودند که به نظر می‌رسید موفقیت را به خود چفت کرده‌اند. می‌تاخند و بولز می‌تاخت. هیچ‌کس فکرش را نمی‌کرد وقتی از تیم جدا شوند چه اتفاقی می‌افتد. بعد از رفتن آنها، تیم یکی از بدترین‌های NBA شد. شش سال طول کشید تا دوباره به مرحله پلی آف برسند.

برای مدتی تصور می‌شد سرنوشت مشابهی در انتظار بایرن است، البته نه در آلمان، جایی که تفوق تیم تضمین شده به‌نحوی که ممکن است بیشتر فصل را در شرایط بحرانی سپری کنند و بعد قهرمان شوند، بلکه در اروپا. همین تابستان سال گذشته، بازیکن سابق تیم، دیتمار هامان از جمله کسانی بود که از لزوم خانه‌تکانی در بایرن